ادامه از صفحه اول

موقعیت ژئوپلیتیک سیستان‌وبلوچستان

سیستان‌وبلوچستان از سه مزیت مهم راهبردی برخوردار است:

۱. دسترسی به آب‌های آزاد بین‌المللی خارج از تنگه هرمز؛

۲. آسان‌سازی دسترسی آسیای مرکزی محاصره در خشکی آسیای میانه به آب‌های آزاد اقیانوس هند؛

۳. وجود حالت پل ارتباطی شمال- جنوب و شرق و غرب.

واقعیت آن است که سیستان‌وبلوچستان با وجود این شرایط مساعد طبیعی، در حاشیه قرار گرفته و یکی از عقب‌مانده‌ترین مناطق کشور است که در تمامی شاخص‌های توسعه با فاصله زیادی از استان‌های دیگر کشور عقب افتاده است. این وضعیت چالش‌های ژئوپلیتیکی در پی داشته است. پررنگ‌شدن تفاوت‌های مذهبی و قومی از یک‌طرف و بازشدن فضا برای جریان‌های ضدسیستمی از طرف دیگر، نگاه توسعه حاکمیت اسلامی را تحت‌الشعاع قرار داده و در قالب نگاه امنیتی صورت‌بندی کرده است؛ موضوعی که در بلندمدت می‌تواند خطراتی جدی‌تر از گسترش و نفوذ رادیکال‌های منطقه‌ای پیوندخورده با جریان‌های تندرو بین‌المللی را افزایش دهد و ژئوپلیتیک تروریسم مکتبی را بر آن بیفزاید. به عبارت روشن‌تر، این خطر وجود دارد که به‌جای آنکه ظرفیت‌های ژئوپلیتیک سیستان‌وبلوچستان باعث کارکردهای تولید قدرت ملی شود، در مسیر انحرافی تضعیف قدرت ملی، از حمایت خارجی برخوردار شود و یک چالش جدی به وجود آورد.

اهمیت این مطلب به‌ویژه در آن است که بلوچستان در کلیت آن، در مرکز توجه قدرت‌های رقیب، در رأس آنها چین و آمریکا، دو مدعی اصلی قدرت هژمون در قرن بیست‌ویکم قرار گرفته است و در همان حال، با ورود چین به بندر گوادر و ورود هندوستان به بندر چابهار، رقابت‌های هند و پاکستان نیز به رقابت‌های چین و آمریکا اضافه شده و دومین امتیاز سیستان‌وبلوچستان و موقعیت ژئوپلیتیک آن را تحت تأثیر قرار داده است. دومین امتیاز سیستان‌وبلوچستان بعد از نقش ترانزیتی آن، خط انتقال انرژی از حوزه انرژی خلیج‌فارس و حوزه دریای خزر است که این امتیاز نیز تحت تأثیر روندهای سیاسی قرار گرفته و بخش ایرانی آن با موانعی روبه‌رو شده است. خط لوله صلح که قرار بود پاکستان و هندوستان را در یک پروژه مشترک در تعامل اقتصادی سودآور و برآورنده نیازهای روزافزون سوختی قرار دهد، در نقطه صفر مرزی متوقف باقی مانده است و خط «تاپی» از طریق افغانستان به‌تدریج دارد جایگزین خط لوله صلح می‌شود. گذشته از این، با تشدید رقابت‌های منطقه‌ای بین ایران و عربستان سعودی، پروژه انتقال انرژی حوزه خلیج‌فارس از بستر دریا به بندر بمبئی در کرانه هندی اقیانوس هند، در یک برنامه جاه‌طلبانه و با پیش‌بینی هزینه گزاف در حال بررسی است که طبق آن دو خط لوله نفت و گاز و یک خط لوله آب شیرین هندوستان و عربستان در پیوندی استراتژیک قرار می‌گیرند که عربستان سعودی سوخت هند و هندوستان آب شرب عربستان سعودی را در بلندمدت تأمین کند.

دو بندر ایرانی چابهار و پاکستانی «گوادر» در مرکز ثقل توجه منابع منطقه‌ای و جهانی قدرت قرار گرفته و این خود حکایت از موقعیت راهبردی کرانه‌های مکران در قرن بیست‌ویکم دارد. اهمیت استراتژیک بندر چابهار برای ایران آن است که این بندر خارج از تنگه هرمز قرار داشتند و شانس دسترسی به اقیانوس هند را در مساعدترین شرایط دارد. موضوعی که سال‌ها به فراموشی سپرده شده بود و تنها زمانی که جنگ تحمیلی هشت‌ساله عراق به ایران پیش آمد و بنادر خوزستان از کارکرد روزانه خود بازماندند، به اهمیت آن پی برده و نیاز به بندری خارج از تنگه هرمز احساس شد. کرانه‌های مکران بخش مهمی از سواحل اقیانوس هند را خارج از تنگه هرمز شامل می‌شود که از استان هرمزگان آغاز و در نزدیکی‌های کراچی، مرکز ایالت سند پاکستان تداوم می‌یابد و طولی حدود هزارو ۵۰۰ کیلومتر را شامل می‌شود و فقط حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰ کیلومتر آن کرانه‌های مکران سیستان‌وبلوچستان را پوشش می‌دهد. بیشتر این کرانه در بلوچستان پاکستان قرار دارد و بندر گوادر است که در شرایط کنونی توجه جهانیان را به خود جلب کرده است.

سرمایه‌گذاری چین در گوادر واقع در ساحل پاکستانی مکران و سرمایه‌گذاری هندوستان در کرانه ایرانی مکران را هرگاه از زاویه رقابت‌های هندوستان و چین مورد توجه قرار دهیم و این واقعیت را در نظر بگیریم که چین علاوه بر حضور اقتصادی و سرمایه‌ای در بندر گوادر، در حال حضور نظامی و احداث پایگاه دریایی در آن است، اهمیت کرانه‌های دریای مکران روشن‌تر خواهد شد؛ به‌ویژه آنکه در نگاه چین پروژه یک جاده- یک کمربند، یک مسیر دریایی هم دارد که از بندری در جنوب چین از مسیر مالاکا از کشورهای میانمار، بنگلادش و سریلانکا عبور می‌کند و با دورزدن هندوستان به بندر گوادر می‌رسد که از آن به نام رشته مروارید یاد شده است.

ادامه در صفحه ۴

politics@sharghdaily.ir

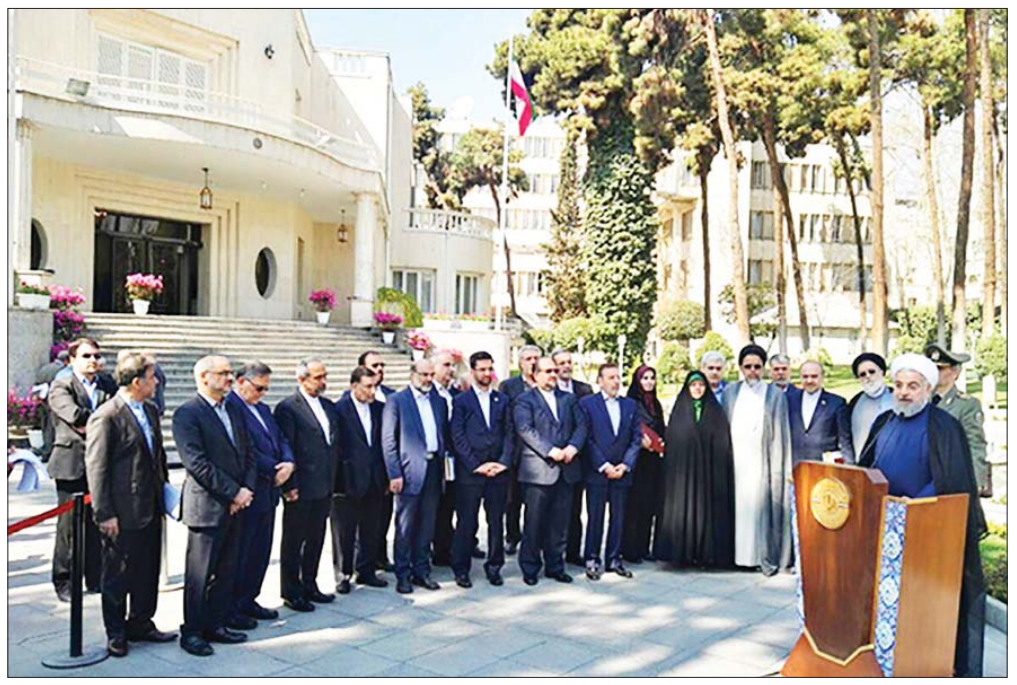

آثار خروج مهره‌های اصلی از دولت چیست؟

آنها که رفتند، آن که ماند

«بگردند تا بگردیم»، این پاسخی است که بیژن زنگنه به شایعه‌سازان کناره‌گیری‌اش از کابینه گفته است. شایعه‌ای که خیلی‌ها هم‌زمان با بحث استعفای ظریف مطرح کردند و البته محدود به زنگنه نشد و دامن محمود حجتی را هم گرفت.

کابینه حسن روحانی اگر چند وزیر شاخص داشته باشد، دست‌کم به نام، همین چهره‌ها هستند؛ از عباس آخوندی گرفته تا حسن قاضی‌زاده‌هاشمی، بیژن زنگنه و جواد ظریف و محمود حجتی؛ وزرایی که البته عملکرد هرکدام از آنها زیر تیغ نقد مخالفان تندرو آنها بوده است و هرکدام که نامه استعفا دادند، جماعتی مشغول جشن و پایکوبی شدند و از اینکه به باور آنها یکی از صاحبان اندیشه لیبرالیستی از دولت کناره می‌گیرد، خوشحال بودند. در مورد ظریف البته این خوشحالی ۲۴ ساعت هم ادامه نیافت. با این حال فارغ از شادمانی این گروه، موضوع کابینه دولتی است که به صفت اعتدال‌گرایی خود می‌بالد، اما هر روز با شایعه کناره‌گیری و استعفا یا استیضاح یکی از وزرایش و از قضا وزرای مهم خود دست‌وپنجه نرم می‌کند. شاید مهم‌ترین پرسش این است که کابینه با چه وضعیتی روبه‌روست؟ و اینکه اساسا این خروج وزرا از دولت کابینه را به چه وضعی دچار می‌کند. در مورد خاص ظریف، اگرچه همه چیز دست به دست هم داد تا او به دولت بازگردد، اما دست‌کم درباره سایر وزرا وضعیت فرق کرده و می‌کند. یعنی آنها که قصد خروج از دولت داشتند، خارج شدند و حسن روحانی ماند و آنچه از سایر اعضای کابینه‌اش باقی مانده است؛ یعنی برخی مهره‌های اصلی رفته‌اند و مانده مهره‌هایی که از اول در زمین بازی روحانی نبودند، اما به ناچار آنها را وارد زمین کرد.

عباس آخوندی یکی از آن مستعفی‌ها بود که بعد از استعفا از وزارت پرحاشیه راه، در گفت‌وگوهای مختلف بیش از آنکه بخواهد سمت و سوی نقدهایش را به طرف جریان‌های تندرو خارج از دولت نشانه برود، دولت را نشانه رفت. او در مصاحبه‌ای هم که با روزنامه «شرق» داشت، دراین‌باره گفته بود: «بحث من این بوده که اقتصاد و سیاست ایران در خود چالش‌های اساسی دارد. در حوزه اجتماعی شکاف اجتماعی داشتیم. در حوزه سیاسی مشکل سیاست بین‌الملل داشتیم. در حوزه اقتصاد هم چالش‌های عظیمی داشتیم. دولت یازدهم وقتی آمد، با این چالش‌ها برخورد بنیادی نکرد. من از اینکه دولت نسبت به این چالش‌ها تا حدی بی‌تفاوت است، دل‌چرکین بودم... آنچه شما با آن مواجه هستید و تحت عنوان فرضیه ناکارآمدی مطرح می‌شود، برمی‌گردد به اینکه اساسا دولت نسبت به مسائل بنیادین حوزه سیاست، اقتصاد و اجتماع نظریه‌ای نداشت و اقدامی جدی نکرد؛ ازهمین‌رو وقتی با یک غول نخراشیده و نتراشیده مثل ترامپ مواجه شد، تمام ضعف‌های کارکردی یکباره روی میز آمد».

عباس آخوندی به ضعف یا اختلال کارکردی دولت بیش از نقش افراد توجه داشته و دارد. او معتقد است در این ضعف کارکردی ممکن است نقش برخی افراد هم جدی شود: «نمی‌گویم افراد مؤثر نیستند، اما می‌گویم تقلیل ریشه مشکل به رفتار ناشی از چند نفر، واقعا نگاه تقلیل‌گرایانه است و می‌تواند گمراه‌کننده باشد». از این رو او سرنوشت دولت دوازدهم را هم سخت ارزیابی کرد.

حسن قاضی‌زاده‌هاشمی هم که بالاخره سر بودجه طرح تحول سلامت مجبور به استعفا شد، در توجیه دلایل استعفایش به این موضوع اشاره کرد: «مشکلاتی که در وزارت بهداشت با آن مواجه بودیم، مشکلات یک‌روزه، یک‌ساله یا مربوط به بودجه امسال نبود، به اعتقاد من این مشکلات ناشی از نوعی تفاوت دیدگاه و رفتار بود که این تفاوت هم به جنس هر یک از ما و ریشه‌ها، اعتقادات، باورها و آرمان‌هایمان بازمی‌گردند».

علی ربیعی هم از آن دسته وزرایی بود که حضورش در دولت دوازدهم با چالش‌های جدی همراه بود. ربیعی مثل آخوندی یا قاضی‌زاده‌هاشمی بعد از ترک دولت البته از کانال استیضاح، مطلبی علیه روحانی نگفت، اما اختلافات بنیادین با روحانی شاید باعث شد که روحانی در نوبت استیضاح از او دفاع نکند. تفکیک وزارتخانه تعاون، کار و رفاه اجتماعی و اختلاف نظر در این زمینه، واگذاری بنگاه‌های وابسته به وزارت کار از دیگر موضوعات مهم مورد اختلاف بود و اختلافاتی از این دست مانع از همراهی روحانی و ربیعی می‌شد.

در این میانه برخی نمایندگان تندرو مجلس هم شادمانه در شب استعفای ظریف از رفتن وزرایی چون زنگنه و حجتی خبر دادند. آنها مدتی است که در رسانه‌های خود زنگنه را متهم می‌کنند که بلد نیست تحریم‌ها را دور بزند و این مدیریت به درد تحریم نمی‌خورد. محمود حجتی و طرح استیضاح او بیشتر شبیه مقابله‌به‌مثل تندروهای مجلس با روحانی در ماجرای استیضاح اول علی ربیعی بود که توانست از مجلس رأی اعتماد بگیرد. حالا که ماجرای استعفای ظریف مطرح شد، اما تندروها بار دیگر حجتی را در فهرست تغییرات کابینه قرار دادند. اگرچه با رد استعفای ظریف به نظر می‌رسد این شایعه‌ها هم محل تأثیر نباشد، اما همین اصالت شایعه کافی است تا مدتی کارکرد وزیر در وزارتخانه را تحت‌الشعاع قرار دهد.

شرایط بی‌دولتی

سؤال این است که چه چیزی باعث شده تا برخی وزرا، بیش از ماندن به رفتن ترغیب شوند؟ یا به عبارت ساده‌تر مگر در دولت چه می‌گذرد؟ ابراهیم اصغرزاده در گفت‌وگوی خود با «شرق» به این سؤال پاسخ داده است و می‌گوید: به اندازه کافی شواهد داریم که نشان دهد دولت ضعیف شده است. به صورت ظاهری، دولت و رئیس‌جمهوری داریم که با رأی بالایی انتخاب شده است، اما در شرایط فعلی در حالت بی‌دولتی به سر می‌بریم. نه اینکه دولتی نداشته باشیم، بلکه دولتی وجود دارد که در حوزه اقتصاد، سیاست داخلی و سیاست خارجی دست پایین را دارد.

وصله ناجور برجام

اصغرزاده ادامه می‌دهد: مهم‌ترین دستاورد دولت که قابل دفاع بود، مسئله برجام بود که الان به یک وصله ناجور بدل شده است. حتی برای تصویب FATF که دولت برای ادامه حرکت خود به آن نیازمند است، به بن‌بست مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است. بنابراین اگر تصور کنیم که با رفتن امثال ظریف، زنگه، آخوندی و... از وزارتخانه‌هایشان، مشکل حل می‌شود، باید گفت که چنین نیست و مشکل در جای دیگری است.

این فعال سیاسی در توضیح این مشکل اضافه می‌کند: رفتن این افراد از دولت نشانه این است که دو خط موازی پیگیری امور اجرائی کشور را در دست دارد و چنانچه این موضوع حل نشود، سایر مشکلات هم رفع نخواهد شد. او در همین زمینه بر این نکته تأکید می‌کند که مثلا در حوزه سیاست خارجی، همان‌طور که روحانی گفته و سردار سلیمانی هم تأکید کرده است، مسئول دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی باید ظریف باشد. او این موضوع را به حوزه اقتصاد و سیاست داخلی هم تسری داده و می‌گوید همین موازی‌کاری در این حوزه‌ها هم رخ می‌دهد؛ وزاریی که طرح و برنامه دارند، دستشان در اجرا بسته می‌شود. این در حالی است که هم دولت باید نظریه داشته باشد و هم وزاری قوی حضور داشته باشند.

او می‌گوید: اشکال دولت روحانی این است که چون اولویت خود را حل مسئله هسته‌ای و برجام گذاشت و در سال ۹۵ هم به موفقیتی دست پیدا کرد، اما باعث شد که در سایر حوزه‌ها دست پایین‌تر داشته و انگیزه‌ای هم برای برنامه‌ریزی نداشته باشد.

اصغرزاده اضافه می‌کند: بر همین اساس، با خروج آمریکا اقتصاد و سیاست خارجی متلاطم شده و دولت به لحاظ سیاست داخلی و خارجی چون برای تحقق اهداف خود پشتوانه کافی ندارد، باعث می‌شود که یا وزرای قدرتمند از کابینه خارج شوند یا اعتراض‌های تندروها بیشتر شود.

بالارفتن هزینه‌های دولت‌داری

او می‌گوید: دولت در حقیقت روزبه‌روز ضعیف‌تر شده و از طرفی خروج یا احتمال خروج وزرای قوی هم آن را ضعیف‌تر می‌کند. دولت بعد از انتخابات ۹۶، برنامه‌های مهمی را اعلام کرد که دست‌کم سیاست‌های پولی، بانکی و اقتصادی در این دو سال گذشته باعث شده تا مشکلات اساسی به وجود آید.

اصغرزاده در تشریح این وضع می‌گوید: وضعیت موجود به بی‌اعتمادی عمومی مردم به بالادستی‌ها و نیز سقوط سرمایه‌های اجتماعی منجر خواهد شد و این باعث می‌شود که اعتبار دولت کاهش پیدا کند و از سویی هزینه دولت‌داری در کشور بالا برود. در این شرایط ممکن است هر کسی فکر کند که می‌تواند به جای دولت تصمیم بگیرد. این اتفاق را می‌توان در تمام حوزه‌ها مشاهده کرد.

شکل‌گیری دولت‌های کوچک

او می‌گوید: ضعف دولت باعث می‌شود تا در حوزه‌های مختلف، دولت‌های کوچک‌تر یا دولت‌های در سایه قدرت شکل بگیرند. این وضعیت به دولت حالت ناپایداری داده و به همین دلیل چشم‌انداز رفتار دولت مثبت نیست.

دولت تصمیم جدی بگیرد

اصغرزاده می‌گوید: بازگشت نیروهای قدرتمند به دولت تا زمانی که دولت تصمیم نگیرد مسئولیت کلی اجرائی کشور را به دست بگیرد، فایده ندارد و تداوم این شرایط موجب فرسایش دولت شده و باعث می‌شود تا هر فردی خود را صاحب نظر بداند؛ بنابراین دولت باید تصمیم جدی بگیرد. اینکه منتظر باشد تا اتفاقی در خارج از کشور بیفتد، مثلا ترامپ از ریاست‌جمهوری کنار برود و امثالهم، پدیده خوبی نیست. دولت باید بتواند اقتدار و تک‌صدایی در حوزه اجرا را به عرصه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی بازگرداند. چنین تصمیمی البته فراتر از حضور افراد قدرتمند در کابینه، نیازمند تصمیم کلانی است که اختیارات دولت را به دولت بازگرداند.

۷ گزینه احتمالی برای تولیت آستان قدس

شرق: درحالی‌که طبق شنیده‌ها، حجت‌الاسلام ابراهیم رئیسی قرار است بعد از تعطیلات نوروزی تولیت آستان قدس را تحویل دهد و بر صندلی ریاست قوه قضائیه بنشیند، هر روز گمانه جدیدی درباره جانشین او مطرح می‌شود. دیروز حسن غفوری‌فرد، نایب‌رئیس جبهه پیروان خط امام و رهبری، نام اکبر ناطق‌نوری را هم به گزینه‌های قبلی اضافه کرده است. او به خبرآنلاین گفته که تولیت آستان قدس جای خوب و مناسبی برای حضور آقای ناطق است که در گذشته هم صحبت آن مطرح بود، زیرا هم رهبری شناخت خوبی از ایشان دارند و هم اینکه آقای ناطق تجربه خوبی در وزارت کشور و جهاد سازندگی دارند.

اگرچه بعید به نظر می‌رسد که ناطق‌نوری این سمت را قبول کند. مجموعه کنش‌های این سال‌های اخیر او حاکی از این است که او نه‌تنها مایل به برعهده‌گرفتن سمت‌های اجرائی نیست، بلکه به‌طورکلی تمایلی به نقش‌آفرینی فعال در عرصه سیاست هم ندارد. او زمانی می‌خواست نقش راهبری و پدرخواندگی جریان اصولگرایی را ایفا کند، اما بعد از چندپارگی آنها در انتخابات سال ۸۴ و ماجراهای مناظره‌های محمود احمدی‌نژاد در سال ۸۸ که به اتهام‌زنی به سمت ناطق‌نوری و خانواده‌اش منجر شد، ناطق‌نوری آن حمایتی را که تصور می‌کرد از سوی اصولگرایان ندید و از جامعه روحانیت مبارز کناره گرفت و نوعی قهر سیاسی با همتایان اصولگرایش را در پیش گرفت. بعد از آن هرچه تلاش کردند تا او را به اردوگاه خود بازگردانند، بی‌فایده بود. این‌بار هم حسن غفوری‌فرد تکرار کرده است که در صحبت‌هایی که با ایشان داشتیم، نه آمادگی برای پذیرش مسئولیت سیاسی دارند و نه مسئولیت آستان قدس، بااین‌حال ما ناامید نیستیم و تلاش خودمان را می‌کنیم.

یکی از چهره‌هایی که به‌عنوان جانشین رئیسی مطرح شده، پدرزن او؛ یعنی آیت‌الله علم‌الهدی است. علم‌الهدی امام‌جمعه مشهد و عضو مجلس خبرگان رهبری از استان خراسان رضوی است. در میان گزینه‌های مطرح‌شده، امام‌جمعه فعلی مشهد بابت سخنرانی‌ها و اظهارنظرهایش از همه معروف‌تر است.

از سیدمحمدحسن ابوترابی‌فرد، یکی از ائمه جمعه تهران، هم به‌عنوان گزینه دیگر تولیت آستان قدس یاد می‌شود. او بهمن‌ماه سال ۹۶ با حکم مقام معظم رهبری به سمت امام‌جمعه موقت تهران منصوب شد. ابوترابی در ششمین، هفتمین و هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی نماینده مردم قزوین و آبیک بود و در نهمین دوره نیز نمایندگی مردم تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر را برعهده داشت. جالب اینجاست که سیدمحمدحسن ابوترابی‌فرد رکورد سه دوره چهارساله نایب‌رئیسی مجلس را در کارنامه نمایندگی‌اش به ثبت رسانده است. حجت‌الاسلام‌والمسلمین ابوترابی در سال ۱۳۹۰ هم به عضویت هیئت عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه منصوب شد. ابوترابی و مرحوم ابراهیم یزدی هر دو زاده قزوین بودند و یک رابطه خویشاوندی هم میانشان برقرار بود. تصاویری از ابراهیم یزدی در مراسم فوت مادر ابوترابی در سال ۹۴ ثبت و منتشر شده است.

از آیت‌الله سیداحمد حسینی‌خراسانی، نماینده مردم خراسان رضوی در مجلس خبرگان و عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، هم به‌عنوان گزینه دیگری نام برده می‌شود. آیت‌الله سیداحمد حسینی‌خراسانی ۵۹ ساله و متولد فجرآباد، از توابع شهر شیروان است. او در چهاردهمین اجلاسیه بزرگ حوزه علمیه قم استاد نمونه شناخته شده است. او شاگرد آیات عظام وحیدخراسانی، شیخ جواد تبریزی، علامه حسن‌زاده‌آملی و جوادی‌آملی بوده است. او چندی قبل در واکنش به احتمال انتصابش به تولیت آستان قدس به خبرگزاری حوزه گفته بود: «این موضوع در فضای مجازی مطرح شده و خودتان می‌دانید که فضای مجازی حساب‌وکتاب ندارد... بنده الان مسافرتم و در جریان این انتصاب نیستم!» حسینی‌خراسانی چندان چهره رسانه‌ای نیست و اظهارنظرهای زیادی از او دیده نمی‌شود. یکی از معدود اظهارنظرهای او درباره سال ۸۸ است که گفته بود: «عده‌ای به بهانه‌های واهی تقلب در سال ۸۸ در کشور ایجاد اغتشاش کردند، درحالی‌که انتخابات بهانه بود و اصل مسئله آنها نظام و ستون خیمه نظام؛ یعنی ولایت فقیه بود، اما ملت ایران در ۹ دی توی دهان فتنه‌گران کوبیدند».

حجت‌الاسلام سیدمحمد سعیدی‌گلپایگانی، تولیت آستان مقدس حضرت معصومه، مشهور به سیدمحمد سعیدی که هم‌زمان نماینده ولی فقیه در استان قم و امام‌جمعه شهر قم است، از دیگر گزینه‌هایی است که نامش مطرح شده است. او کاندیدای انتخابات سال ۱۳۹۴ مجلس خبرگان رهبری از استان خراسان رضوی بود که از راهیابی به این مجلس بازماند. سعیدی از سال ۸۹ به سمت تولیت آستان حضرت معصومه منصوب شده است. این حکم در سال ۹۵ به مدت پنج سال دیگر تمدید شد.

یکی از افرادی که نام‌شان برای تولیت آستان قدس مطرح شده، علی محمدی‌سیرت، رئیس سابق سازمان اوقاف و امور خیریه است که به‌تازگی جای خود را به حجت‌الاسلام خاموشی، رئیس سابق سازمان تبلیغات اسلامی، داده است و خودش به سمت مشاور عالی نماینده ولی فقیه در سپاه منصوب شده است. او سال ۱۳۵۱ وارد حوزه علمیه قم شد و دروس فلسفه و کلام و علوم قرآنی را نزد محمدتقی مصباح‌یزدی، مظاهری، دکتر احمدی و فیاضی و دروس خارج فقه و اصول را نیز نزد افرادی مانند: فاضل‌لنکرانی، حسین وحیدخراسانی، مجتبی تهرانی و آیت‌الله خامنه‌ای فراگرفت. علی محمدی دارای دکترای رشته معارف و علوم سیاسی از مؤسسه آموزشی امام خمینی، متعلق به مصباح‌یزدی است و بیش از ۱۰ سال سابقه تدریس در دانشکده علوم و دانشکده فنی دانشگاه تهران، دانشسرای عالی علوم، استان مرکزی، دانشکده علوم قضائی، دانشکده تربیت معلم و مراکز آموزشی سپاه را دارد.

آیت‌الله محسن اراکی، دبیرکل مجمع تقریب مذاهب اسلامی و نماینده مردم اراک در مجلس خبرگان، هم گزینه دیگری است که نامش مطرح شده است. او زاده ۱۳۳۴ در نجف است. اراکی نماینده سابق مقام معظم رهبری در انگلستان، عضو شورای‌عالی مجمع جهانی اهل‌بیت، مؤسس مرکز اسلامی انگلیس و مجمع اندیشه اسلامی قم و یکی از استادان دروس خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم است. او از منتقدان حسن روحانی هم هست. رئیس‌جمهوری سال گذشته در دیدار با وزیر و معاونان وزارت امور اقتصادی و دارایی و در واکنش به انتقاداتی که به دولت و شخص خودش مطرح می‌شود، گفته بود: «ما با انتقاد مخالف نیستیم. از همه باید انتقاد بشود. استثنا ندارد. تمام مسئولان در کشور قابل نقد هستند. ما در کشور معصوم نداریم. حالا یک وقتی امام دوازدهم اگر ظهور کرد، آن وقت هم می‌شود نقد کرد. پیغمبر هم اجازه نقد می‌داد. بالاتر از پیغمبر که در تاریخ نداریم». آیت‌الله اراکی یکی از افرادی بود که به این سخنان روحانی واکنش نشان داد و خطاب به او گفت: «ظاهرا دروسی را که در جوانی خوانده‌اید، فراموش کرده‌اید؛ بنابراین بهتر است به سیاست خود بپردازید. وقتی سوادش را ندارید، اعتقادات مردم را رها کنید. مشکلات معیشتی و دنیوی مردم بسیار است، وقتی علمش را ندارید، به مسائل اخروی‌شان کار نداشته باشید».

خبر

با حکم مقام معظم رهبری انجام شد

انتصاب نماینده ولی‌فقیه در سیستان‌وبلوچستان و امام‌جمعه زاهدان

● **پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری:** حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در حکمی حجت‌الاسلام شیخ‌مصطفی محامی را به نمایندگی ولی‌فقیه در استان سیستان‌وبلوچستان و امام‌جمعه زاهدان منصوب کردند. متن پیام مقام معظم رهبری به این شرح است:

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ‌مصطفی محامی دامت توفیقاته؛

اکنون پس از پایان مسئولیت جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ عباسعلی سلیمانی دامت‌توفیقاته در دوره‌ای پرتلاش و موفق، ضمن تشکر از مجاهدت‌ها و خدمات شایسته ایشان، جناب‌عالی را به نمایندگی خود در استان سیستان‌وبلوچستان و امام‌جمعه‌ی شهر زاهدان منصوب می‌نمایم. جناب‌عالی با شناخت از استان و مسائل و مقتضیات آن، و با درایت و هوشمندی به حول و قوه‌ی الهی خواهید توانست کلیه‌ی امور مربوط به نمایندگان ولی فقیه را ساماندهی نمایید ان‌شاءالله.

پیشبرد و تمشیت امور دینی و فرهنگی و اجتماعی و سیاسی در میان آن مردم شریف و غیور و در آن خطّه‌ی مهم و حسّاس که از ظرفیت انسانی و اقتصادی و جغرافیایی برجسته‌ای برخوردار است، مهم‌ترین کارویژه‌ی اصلی نمایندگی اینجانب است که با رعایت اخلاق و تدبیر و جلب رضایت مردم عزیز آن استان در چهارچوب سیاست‌های کلی و منافع و امنیت ملی نظام جمهوری اسلامی باید صورت گیرد و به توفیق و به فضل الهی موجب تقویت هویت دینی و ملّی و استحکام همبستگی آنان گردد ان‌شاءالله.

تکریم علمای دین و برجستگان علمی و دانشگاهی و توجه و اهتمام به مدارس علمیه و مراکز تبلیغی و هماهنگ ساختن نهادهای مسئول در رفع نیازمندی‌های آنان نیز از وظایف نمایندگی اینجانب است. مجموع سیاست‌ها و برنامه‌های نمایندگی که در پیوست الزامی این حکم آمده است، همه‌ی دستگاه‌های مسئول در استان و کشور را موظف می‌نماید که با جناب‌عالی در انجام این مسئولیت مهم، همکاری نموده و هرگونه کمک لازم را به عمل آورند. توفیقات جناب‌عالی را از خداوند متعال مسألت می‌کنم.

بشار اسد ظریف را به سوریه دعوت کرد

● بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه از محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه ایران برای سفر به این کشور دعوت کرد. سفیر سوریه در تهران روز چهارشنبه در تماسی تلفنی با دکتر ظریف دعوت بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه از وزیر امور خارجه ایران برای سفر به سوریه را ارائه کرد. پیش از این ظریف با ولید المعلم وزیر خارجه سوریه به صورت تلفنی گفت‌وگو کرده بود. به گزارش «ایسنا» در این تماس تلفنی، راه‌های تقویت روابط استراتژیک میان دو کشور و نیز نتایج سفر اخیر بشار اسد به تهران مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. اسد رئیس‌جمهوری سوریه روز دوشنبه با سفر به جمهوری اسلامی ایران با مقام معظم رهبری و رئیس‌جمهوری کشورمان دیدار کرد. ظریف همچنین در گفت‌وگوی تلفنی با همتای پاکستانی خود از آمادگی ایران برای کمک به حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلاف میان هند و پاکستان خبر داد.

کشف و شناسایی پیکرهای مطهر شهدای مفقود در سوریه

● **سپاه‌نیوز:** روابط‌عمومی کل سپاه در اطلاعیه‌ای از کشف و شناسایی پیکرهای مطهر پنج نفر از شهدای مفقود سوریه خبر داد. در این اطلاعیه آمده است: با تلاش‌های شبانه‌روزی و مستمر گروه تفحص نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پیکرهای پاک و مطهر پنج تن از شهدای ایرانی که حین مأموریت مستشاری در سوریه به شهادت رسیده بودند، کشف و پس از انجام آزمایش‌های DNA هویت آنان شناسایی شد. در اطلاعیه روابط‌عمومی کل سپاه اسامی شهدا به این شرح اعلام شده است: بسیجی شهید سعید انصاری از استان تهران، پاسدار شهید حمید محمدرضایی از استان قزوین، پاسدار شهید محمد قنبریان از استان سمنان، پاسدار شهید سیدجواد اسدی از استان مازندران و بسیجی شهید میثم نظری از استان تهران.

دوم اسفند ۹۸ برگزاری انتخابات مجلس یازدهم

● **ایرنا:** سخنگوی وزارت کشور با اشاره به مکاتبات وزارت کشور با شورای نگهبان درباره تعیین زمان برگزاری انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و اولین میان‌دوره‌ای پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری، گفت: وزارت کشور در مکاتبه‌ای تاریخ پیشنهادی برگزاری این انتخابات را ارائه کرده بود که در جلسه اخیر شورای نگهبان این تاریخ مورد بررسی قرار گرفت و تاریخ برگزاری انتخابات مشخص شد. سلمان سامانی افزود: براساس تأیید شورای نگهبان، انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و اولین میان‌دوره‌ای پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری در دوم اسفند سال آینده برگزار می‌شود.